

بررسی نظریه های یادگیری در آموزش

مهدی کاهکش (نویسنده مسئول)

۱. ابواب جمعی اداره کل آموزش و پرورش استان خوزستان، واحد آموزش و پرورش امیدیه، دانشجوی دکتری رشته فلسفه - دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، ایران
mehdikahkesh1354@gmail.com

چکیده

سابقه و هدف: یکی از عوامل مؤثر در یادگیری و آموزش مؤثر و مناسب آن آشنایی معلمان و معلمان با نظریه های یادگیری و کاربرد آن در آموزش است. هدف از این پژوهش مروری بر نظریه های مهم یادگیری شامل رفتارگرایی، شناخت گرایی و سازنده گرایی و کاربرد آن ها در آموزش بوده است.

مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی به شیوه مطالعه مروری در مطالب و اسناد موجود بوده و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته های محقق استفاده شده است.

یافته ها: از نظر این پژوهش رویکردهای آموزشی یعنی رفتارگرایی، شناخت گرایی، فراشناخت گرایی و ساختن گرایی از نظریه های مهم یادگیری محسوب می شوند. نظریه های یادگیری مناسب ترین راهبردها، ابزارها و روش ها را برای موقعیت های متفاوت یادگیری تعیین می کنند. توجه و استفاده از هریک از آن ها به مدرس و نگرش های وی، شرایط یادگیری، خصوصیات فراگیران و اهداف آموزشی بستگی دارد.

نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می شود که هریک از این نظریات بر نوع خاصی از یادگیری تأکید می کند. در آموزش و یادگیری، رفتارگرایی در آموزش مفاهیم و مهارت ها در ارتباط با بازی های رایانه ای و شبیه سازی های رایانه ای شناخت گرایی در ارتباط با استفاده از پیش سازمان دهنده، نقشه مفهومی و فراشناخت گرایی در ارتباط با یادگیری اجتماعی و ساختن گرایی در ارتباط با روش های یادگیری فراگیر محور آموزش مبتنی بر حل مسئله و یادگیری موقعیتی کاربرد دارد.

واژه های کلیدی: نظریه های یادگیری، رفتارگرایی، شناخت گرایی، فراشناخت گرایی و ساختن گرایی،

مقدمه

یادگیری همواره باید قابل انتقال به رفتار مشاهده پذیر باشد. یادگیرنده^۱ قادر به انجام کاری خواهد بود که پیش از یادگیری نمی توانست آن را انجام دهد. این تغییر رفتاری نسبتاً پایدار است، یعنی نه موقتی و نه ثابت است. تغییر در رفتار الزاماً نباید بلافاصله بعد از تجربه یادگیری رخ دهد. تغییر در رفتار از تجربه یا تمرین ناشی می شود و پنجم، اینکه تجربه یا تمرین باید تقویت شود [۱]. اصطلاحات پاداش و تقویت دست کم به دو دلیل با یکدیگر مرابطة ند. پاولف، تقویت کننده^۲ عبارت است از محرک غیر شرطی، یعنی محرکی که یک واکنش طبیعی و خودکار در ارگانیسم ایجاد می کند. مثلاً استفاده از محلول اسید رقیق یا شوک برقی می تواند تقویت کننده باشد. پاداش، چیز مطلوبی است، چیزی که برای انجام کاری که زمان و نیروی قابل ملاحظه ای صرف آن شده یا عملی شده که مورد پسند جامعه است به کسی داده می شود. (تقویت بلافاصله بعد از رفتار می آید، می تواند مثبت یا منفی باشد اما پاداش صرفاً بعد از رفتار نمی آید و می تواند با تاخیر باشد و همیشه چیز مطلوبی است). تقویت کننده رفتار را نیرومند می سازد اما پاداش این کار را نمی کند. یادگیری فرآیندی است که در آن یک شخص در کارهایی که از کسب دانش و مهارت الهام گرفته اند، فعالیت می کند [۲]. در این مقاله که به روش مطالعه اسنادی صورت گرفته، سعی شده تا نظریه های یادگیری در آموزش را بررسی نماید.

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر از نوع کیفی توصیفی و مروری تحلیلی می باشد که با جستجو در مقالات علمی و کتاب های مختلف و اینترنت به تدوین آن پرداخته شده است. از جمله مهم ترین موتورهای جستجو و پایگاه های اطلاعاتی معتبر مورد استفاده در این تحقیق عبارت بودن از: تحلیل محتوا یک شیوه پژوهشی است که برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام های ارتباطی به کار می رود. این شیوه ابتدا در علوم ارتباطات به کار گرفته شد و در حال حاضر، بخصوص در سال های اخیر این شیوه پژوهش در سایر علوم، از جمله علوم تربیتی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. تحلیل محتوا به اعتقاد بیشتر صاحب نظران روش پژوهشی است که برای بیان مفاهیم یا واژه های معینی در یک متن و یا مجموعه ای از متون استفاده می شود. برخی نیز آن را یک روش تجزیه و تحلیل داده ها می دانند. متن می تواند شامل کتاب، فصل یا فصل هایی از یک کتاب، نوشته ها، مصاحبه، گفتگو، عناوین و مقالات مطبوعات و اسناد تاریخی باشد.

مبانی نظری**یادگیری**

به طور کلی یادگیری فعالیتی است که از سوی یادگیرنده انجام شده و او در به وجود آوردن آن دخالت مستقیم دارد و نقش آموزش دهنده تنها تسهیل این فرایند است. در واقع مدرس از راه آموزش، در یادگیری فراگیر دخل و تصرف می کند تا بر یادگیری آنان تاثیر مثبت بگذارد [۲]. یادگیری یکی از مهمترین زمینه ها در روان شناسی امروز و در عین حال یکی از مشکل ترین مفاهیم برای تعریف کردن است [۳]. در تعریف کیمبل آورده شده است: یادگیری^۳ به فرایند ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یا توان رفتاری (رفتار بالقوه^۴) که حاصل تجربه است، گفته می شود و نمی توان آن را به حالت های موقتی بدن مانند آنچه بر اثر بیماری، خستگی، یا داروها پدید می آید نسبت داد [۴]. که در نتیجه تمرین تقویت شده رخ می دهد.

فرایند یادگیری

از جمله ویژگی های انسان، استعداد خاص او در یادگیری است. به یقین می توان گفت که پیدایش و بقای تمدن و فرهنگ انسان، به وجود استعداد یادگیری او بستگی داشته و یکی از مهم ترین عوامل پیشرفت های اجتماعی در زندگی انسان، یادگیری است [۵]. کودک در آغاز، با برخی ظرفیت ها و قابلیت های فیزیولوژیک و غریزی، پا به دنیا می گذارد. از آن پس، به جز

¹ learner

² reinforce

³ learning

⁴ behavioral potentiality

ظرفیت‌های غریزی و طبیعی نظیر رشد و نمو و بازتاب‌ها، آنچه شخصیت او را می‌سازد، حاصل یادگیری اوست. آموزش‌های خانواده، آموزش‌های مدرسه‌ای و آموزش‌های اجتماعی، همه قسمت‌هایی از زندگی او را تشکیل می‌دهند که تماماً یادگیری است [۶]. پس حیطه یادگیری گسترده است و رفتارهای تحصیلی و غیرتحصیلی را شامل می‌شود و در مدرسه و یا هر جای دیگری که کودکان، دنیایشان را تجربه می‌کنند، رخ می‌دهد [۷].

فرآیند یادگیری خود به دو طریق به شرح زیر انجام می‌گیرد :

الف - ساز و کارهای غیر برنامه ریزی شده که فرد در جریان زندگی اجتماعی خود از طریق جهان بینی کلی ، ارزش ها ، و فرهنگ پیرامون آنرا درونی نموده و بسته به شرایط آنرا به خدمت می‌گیرد . افراد بخش اعظم دانش ، نگرش و مهارت‌های فردی را به این شیوه فرا می‌گیرند که ناقص و پاسخگوی نیازهای متغییر امروز نمی‌باشد .

ب - سازو کارهای برنامه ریزی شده که فرد در جریان برنامه ها و روش های علمی و منظم خاصی آنرا فرا می‌گیرد ، به عبارتی با « فرآیند آموزش » فراگیرنده را در تسهیل پیچیدگی های یادگیری ، گسترش حافظه فردی و تفکر نظام مند یاری می‌رسانیم [۸].

در این راستا جستجوی راه کارهای آموزشی برای تاثیر در دانش، نگرش و مهارت افراد همواره دغدغه دست اندکاران آموزشی است . چرا که عدم توجه به شیوه های آموزشی موجب صرف وقت و هزینه ، عدم تحقق برنامه های آموزشی و بی شک عدم تغییر رفتار در فراگیران را در پی خواهد داشت [۹].

نظریه های یادگیری

نظریه های یادگیری نحوه ی یادگیری فراگیران را توصیف می‌کند. این نظریه ها را می‌توان به یکی از رویکردهای کلی الف) رفتارگرایی، ب) شناختگرایی و فراشناختگرایی و ج) ساختنگرایی تفکیک کرد [۱۰]. نمی‌توان گفت که یکی از این رویکردها نادرست و دیگری صحیح است. توجه و استفاده از هر یک از آنها به معلم و نگرش های وی، شرایط یادگیری، خصوصیات فراگیران و اهداف آموزشی بستگی دارد. علاوه بر این، همه این عوامل چند بعدی هستند، بنابراین باید با هدف دستیابی به روشهای تدریس کارآمد و بهترین نتایج یادگیری برای همه فراگیران، رویکرد یا رویکردهای مناسب در آموزش در نظر گرفته شود. [۱۱]

رفتارگرایی^۵

نظریه غالب نیمه اول قرن بیستم بر اساس نظریه اسکینر^۶ است و به عنوان رویکردی به آموزش و یادگیری بر رفتار قابل مشاهده و اندازه گیری تأکید می‌کند [۱۲]. رفتارگرایی با اصل "پاسخ - محرک" تعریف می‌شود. رفتار یادگیرنده در اثر محرکهای خارجی ایجاد می‌شود و می‌تواند بدون در نظر گرفتن حالات آگاهی درونی و روانی توضیح داده شود. بنابراین در محیط آموزشی فرض می‌شود که یک یادگیرنده ، صرفاً به محرکهای محیطی پاسخ می‌دهد. تمرین ، سبب می‌شود که یادگیرنده پاسخ خود را در مقابل محرک تثبیت کند. نقش کلیدی و تعیین کننده معلم در این رویکرد سبب انتقال اطلاعات به فراگیر در یک رابطه یک جانبه بین معلم به عنوان انتقال دهنده دانش و فراگیر به عنوان گیرنده دانش می‌شود. مراحل مختلف یادگیری در موضوع آموزشی مشخص شده توسط مدرس کنترل می‌شود. فراگیر در این رویکرد مسئول پاسخ دهی به محرک اعمال شده از طرف معلم است [۱۳].

⁵ Behaviorism

⁶ Skinner

شناختگرایی^۷

با ایده مغز به عنوان "جعبه سیاه" در اواسط قرن بیستم بر اساس نظریه رشد شناختی پیاژه^۸ در یادگیری و آموزش ظهور یافت. این رویکرد به جای رفتار آشکار به فرایندهای ذهنی می پردازد که با دید توسط معلم باز و درک شود. در این رویکرد یادگیرنده همانند یک رایانه به عنوان یک پردازنده اطلاعات دیده می شود. در این رویکرد فراگیر دست به تجاری می زند که برای فهم مفاهیم مورد نظر ضروری است و در یادگیری نقش فعال دارد. معلم با فراهم آوردن فضایی تسهیل کننده به عنوان راهنما، فراگیر را برای یادگیری تحریک می کند. ارتباط بین معلم و فراگیر در این رویکرد دو جانبه است [۱۴].

فراشناختگرایی^۹

با پیدایش روانشناسی تربیتی به معنی امروزی آن در ارتباط است و در واقع باید فراشناخت را یکی از مراحل تکامل نظریه ها و تئوریهای روانشناسی تربیتی دانست. شروع این نظریه با کوشش ادوارد لی ثورندایک^{۱۰} در اواخر قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم در دانشگاه هاروارد آغاز شد [۱۵]. بعد از انتقاداتی که بر مکتب رفتارگرایی وارد شد، نظریه ها و مطالعات شناختی معمول و رواج یافت. تمایز بین نظریه های رفتاری و نظریه های شناختی در این است که نظریه های رفتاری به خصوص شرطی شدن بر نقش عوامل بیرونی در یادگیری تأکید دارد و بر ماهیت محرکی که دانش آموز با آن مواجه است و پاسخی که می دهد و نتایجی که به دنبال می آید تأکید می کنند و بر خلاف دیدگاه فراشناختی به آنچه که قبل و بعد از پاسخ در ذهن دانش آموز می گذرد نمی اندیشد [۱۶]. فراشناخت عبارت است از آگاهی فرد بر نظام شناختی خود و کنترل و هدایت آن. در ادبیات روان شناسی، مترادف با تفکر می آورند. بنابراین، فراشناخت را می توان آگاهی بر جریان تفکر و "شناخت را معمولا کنترل و هدایت آن هم تعریف کرد [۱۷]. جریان شناخت در نظریه روانشناسی، شناخت انسان را عبارت می دانند از: دریافت، پردازش، نگهداری و انتقال اطلاعات. فراشناخت فعالیت است که کنش های مربوط به چهار عنصر یاد شده را در بر می گیرد و بر آنها نظارت دارد [۱۸]. بنابراین بر اساس این رویکرد معلمان در مدارس باید ابتدا دانش آموزان را به روش دریافت، پردازش، نگهداری و انتقال درست اطلاعات فراخوانند و سپس آنها را ترغیب کنند تا جریان فعالیت های ذهنی را که انجام می دهند، مورد بازنگری و اصلاح قرار دهند [۱۹].

ساختنگرایی^{۱۱}

شامل نظریه های جدید و منحصر بفرد یادگیری بر اساس نظریه کارل راجرز^{۱۲} بر پایه دیدگاه او در مورد یادگیری معنادار بنا شده است. در این نظریه ساختنرایان معتقدند که یادگیری فرایندی فعال و اکتشافی است که بر تولید، کنترل و تعمیم دانش توسط یادگیرنده تأکید می کند [۲۰]. به عبارت دیگر یادگیری از طریق تجربه ساخته می شود، بنابراین یادگیرنده سازنده دانش است. یادگیرنده با ایجاد، تفسیر و ساخت دانش جدید از طریق پیوند دادن اطلاعات جدید به دانش و عقاید قبلی خود عمل می کند [۲۱]. در این نظریه معلم و همه امکانات یادگیری تسهیل کننده هستند و جزء خدمات آموزشی به حساب می آیند.

⁷ Cognitivism

⁸ Piaget

⁹ Metacognitionism

¹⁰ Edward Lee Thorndik

¹¹ Constructivism

¹² Carl Rogers

یادگیری معنی دار زمانی حاصل می شود که فراگیران با مسائلی در ارتباط با زندگی شان مواجه شوند تا بتوانند مسائلی را درک کنند که خواستار حلشان، هستند. رابطه معلم و فراگیر در این رویکرد مشارکتی است [۲۲]

کاربرد نظریه رفتارگرایی در آموزش

از آن جایی که ایده ی اصلی رفتارگرایی آن است که یادگیری شامل تغییر در رفتار به دلیل اکتساب، تقویت و استفاده از ارتباطات بین محرکها از محیط و پاسخهای قابل مشاهده ی فرد است. بنابراین تعیین اهداف آموزشی و تبدیل آن به اهداف رفتاری دقیق می تواند بسیار مهم و حائز اهمیت باشد [۲۳]. هدفهای رفتاری معمولاً عمل ارزشیابی معلم از آموخته های فراگیران را آسان می کند. اهداف رفتاری باید دارای مؤلفه و ویژگیهای اساسی نظیر وجود درک مشترک بین معلم و فراگیر از آن چه انتظار می رود توسط فراگیر انجام شود، توانایی فراگیر در انجام امر مورد انتظار، قابل مشاهده باشد، موقعیت و شرایط انجام اهداف توسط معلم مشخص شده باشد و در نهایت این که ملاک قضاوت درباره عملکرد یادگیرنده ذکر شده باشد [۲۴].

کاربرد نظریه شناختگرایی در آموزش

بر طبق نظریه یادگیری معنا دار (آزوبل، ۱۹۶۸) به عنوان یکی از نظریه های معروف شناختی، دانش های مربوط به هم در یک رشته تحصیلی به صورت یک هرم فرضی با یک سلسله مراتب به صورتی بسیار صرفه جویانه، در ارتباط با یکدیگر سازمان می یابند و ساخت شناختی آن زمینه علمی را به وجود می آورند [۲۵]. بنابراین اگر یادگیرنده بتواند دانش جدید را به مطالبی که قبلاً آموخته مرتبط سازد و آموزش با زمین های صحیح آغاز شود یادگیری معنا دار خواهد بود، در غیر این صورت یادگیری جنبه طوطی وار و حفظی خواهد داشت [۲۶]. بنابراین با تکیه بر این نظریه، معلم می تواند با ایجاد چارچوب مفهومی لازم، ابتدا ساختار کلی محتوا را برای یادگیرنده مشخص سازند و با آگاه ساختن فراگیران از قسمتهای مهم محتوا در فهم مطلب به آنان کمک کنند [۲۷]. در این الگوی تدریس معلم نقش سازمان دهنده مطالب را بر عهده دارد و اطلاعات مفید و مؤثر را به صورت معنا دار و به منظور یکپارچه ساختن مطالب به طور مستقیم به دانش آموزان ارائه می دهد. نقش اساسی دانش آموز تسلط بر مفاهیم و اطلاعات ارائه شده است [۲۸].

کاربرد نظریه فراشناختگرایی در آموزش

یکی از روشهای مهم کسب مهارتهای فراشناختی و شناختی که در بین متخصصان خواندن و درک مطلب اهمیت زیادی دارد، روش تدریس دو جانبه یا متقابل است که پدید آورندگان اصلی این روش بر این باورند که با استفاده از آن می توان به دانش آموزان دارای مشکلات خواندن و فهمیدن کمک کرده تا بر مشکلات خود فائق آیند [۲۹]. این روش بر اساس نظریه اجتماعی- فرهنگی ویکوتسکی ساخته شده است. روش تدریس یک فعالیت آموزشی است که در آن معلم و دانش آموزان با هم بحث و گفتگو کرده و متن را به صورت قطعه هایی تقسیم می کنند [۳۰]. روش تدریس متقابل به صورت گروه ی اجرا می شود. در این روش یادگیری مشارکتی، دانش آموزان ماهر و ضعیف و مبتدی در استفاده از راهبردها ارتباط متقابل دارند، با استفاده از این روش می توانند از طریق برنامه ریزی، نظارت و ارزیابی راهبردها نتیجه عملکرد یادگیری خود را کنترل کنند [۳۱]. نقش فراشناخت در فرآیند یادگیری بسیار مهم در بهبود و گسترش عملکردهای شناختی دارد و می تواند مهارتهای یادگیری فراگیران را توسعه بخشد. به عبارتی فراگیر باید در یادگیری خود نقش فعالی ایفا کند و یاد بگیرد که یادگیری خود را ارزیابی کند و اگر راهبردهای یادگیری اش موفق نبود، از راهبردهای جدید استفاده کند [۳۲].

کاربرد نظریه ساختنگرایی در آموزش

این روش تدریس همان طور که از نامش پیداست روشی است که فراگیر به صورت فعال در جریان تدریس درگیر و روش یادگیری، مبتنی بر عملکرد فراگیر است [۳۳]. در این روش که روشی فعال است، کار تیمی بسیار اهمیت دارد و نقش معلم

برای فراهم آوردن شرایط پویای یادگیری مهم است. یادگیری مشارکتی و یادگیری اکتشافی به خوبی با این رویکرد قابل تبیین هستند [۳۴]. تحقیقات نشان دادند که یادگیری مشارکتی در مقابل روشهای تدریس متداول تأثیری قابل توجه داشته و نشان دهنده موفقیت این روش یادگیری است و یادگیری مشارکتی برای تغییر مفهومی در مفاهیم آموزش اثر بخش است [۳۵].

بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می شود که چهار نظریه مهم یادگیری، شامل رفتارگرایی، شناخت گرایی، فراشناختگرایی و ساختنگرایی و کاربردهای آموزشی آنها در زمینه آموزش با آوردن نمونه هایی از پژوهش های انجام شده در این زمینه مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به اینکه هر یک از این چهار نظریه، دارای معایب و مزایایی منحصر به فرد است و بر روی نوعی خاص از یادگیری تمرکز دارد. با توجه به خصوصیات هر چهار نظریه می توان گفت چنانچه معلمان در پی آموزش مهارتی خاص به فراگیران هستند می توانند تدریس خود را بر اساس نظریه رفتارگرایی طراحی کنند و از مزایای این نظریه نظیر واضح و آشکار بودن اهداف رفتاری و استفاده از محرکهای از پیش تعیین شده برای موقعیتهای آموزشی مرتبط با اهداف روانی - حرکتی استفاده کنند. از طرف دیگر بنابر این نظریه با استفاده از این رویکرد، ذهن یادگیرنده بر روی هدف یا مهارتی خاص متمرکز شده و می تواند واکنشی مناسب نسبت به آن از خود نشان دهد. از جمله الگوهای رفتاری مبتنی بر این نظریه را می توان تعیین نتایج و پیامد یادگیری به طور روشن و واضح، فراهم نمودن موقعیتهای یادگیری توأم با تکرار و تمرین و بازخورد به موقع نام برد.

بنابراین این مطالعه نشان داد، نظریه های یادگیری به معلم در چگونگی انجام تدریس، انتخاب روش تدریس مناسب، آماده کردن محیط و شرایط یادگیری و تعیین فعالیت دانش آموزان کمک می کند. همچنین با توجه به اینکه یکی از مشکلات مهم در نظام آموزش و پرورش بی توجهی معلمان به نظریه های مختلف یادگیری و نیز عدم استفاده از روش های نوین تدریس است، بنابراین مروری بر نظریه های یادگیری و آشنایی با کاربرد آن ها در آموزش می تواند به تاثیرگذاری و تاثیر پذیری بیشتر در فرایند یاددهی - یادگیری کمک کند. باید توجه کرد که هیچ یک از نظریه های یادگیری کامل نیستند و هر کدام بر نوع خاصی از یادگیری تاکید می کنند بنابراین بهتر است از تلفیقی از این نظریه ها برای آموزش و تدریس بهره گرفت.

منابع و مأخذ^{۱۳}

- [۱] بیگم حائز زاده، خیریه (۱۳۸۳) یادگیری از طریق همیاری، تهران، انتشارات تربیت
- [۲] پارسا، محمد (۱۳۷۲) روان شناسی یادگیری بر بنیاد و نظریه ها، انتشارات بعثت، تهران،
- [۳] پیتز جارویس، (۱۳۷۸) آموزش بزرگسالان و آموزش مداوم، ترجمه غلامعلی سرمد، تهران
- [۴] حمزه بیگی، طیبیه، مقصودی، مجتبی، (۱۳۸۳)، نگرشی بر برنامه درسی مبتنی بر فن آوری اطلاعات و نظام مدیریت یادگیری، انجمن برنامه ریزی درسی ایران،
- [۵] شعاری نژاد، علی اکبر، (۱۳۶۸) مبانی روان شناختی تربیت، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ دوم
- [۶] گوتک، جerald ال، (۱۳۸۲)، مکاتب فلسفی و آراء تربیتی، ترجمه محمدجعفر پاک سرشت تهران، نشر سمت، چاپ دوم،
- [۷] هرگنهان، بی، آر، و السون، ام، اچ، (۱۳۸۷)، مقدمه ای بر نظریه های یادگیری، ترجمه علی اکبر سیف، تهران، دوران

- [8] Abbasi Kassani H, Shams Morkani G.] Technology growth, learning change[. Technology Growth. 2019; 14 (54): 17-25. Persian.
- [9] Barani G, Azma F, Seyyedrezai SH. Quality indicators of hidden curriculum in centres of higher education. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 2011; 30:1657-61.
- [10] Boyd DM, Ellison NB. Social network sites: Definition, history, and scholarship. *Journal of computer-mediated Communication*. 2007;13(1):210-30.
- [11] Brown J, and Harclerod (1997), Fusion or Internalized Homophobia? A Pilot Study of Bowen's Differentiation of Self Hypothesis with Couples, *Journal of Family Process*, 46(2), 257- 268.
- [12] Buragga K, Dhir A, Boreqqah AA. Facebook an open education platform: Exploring its educational uses. In *International Conference on Human-Computer Interaction 2013 Jul 21* (pp. 18-22).
- [13] Chuttam S, S, 1992, innovations in teaching – learning process Ed:4 VikAs -publishing House pvT LID.
- [14] Dede C. Emerging influences of information technology on school curriculum. *Journal of Curriculum Studies*. 2000; 32(2):281-303.
- [15] Eid MI, Al-Jabri IM. Social networking, knowledge sharing, and student learning: The case of university students. *Computers & Education*. 2016; 99:14-27.
- [16] Eisner E W. *The educational imagination*. 1985; New York: Macmillan.
- [17] Eisner, Elliot W, 1994, *The Educational imagination*, on the design- and evaluation of school programs, Edition New York, Macmillan publishing co.
- [18] Haythornthwaite C. Participatory transformations. In W Cope and M Kalantzis (Eds.), *Ubiquitous learning*. Urbana, IL: University of Illinois Press; 2009. Pp. 31-48.
- [19] Izadi, S, Salehi Omran I, Mansouri Kelley S.]Investigating the professional competencies of middle school male teachers based on the constructivist approach[. *Education and Learning Studies*. 2013; 1(1): 4-28. Persian.
- [20] Karami M, Karami Z, Attaran M.]Developing content knowledge and teaching skills for teacher students through a problem-based integration model of information and communication technology[. *Journal of Information and Communication Technology in Educational Sciences*. 2013; 2(3): 173- 151. Persian.
- [21] Leach J, Moon B. Pedagogy, information and communications technology and teachers' professional knowledge. *The Curriculum Journal*. 2000; 11(3):385-404.
- [22] Lieberman A, Mace DP. Making practice public: Teacher learning in the twenty-first century. *Journal of Teacher Education*. 2010; 61(1-2):77-88.
- [23] Lim J, Richardson JC. Exploring the effects of students' social networking experience on social presence and perceptions of using SNSs for educational purposes. *The Internet and Higher Education*. 2016; 29:31-9.
- [24] Maleki H. *Curriculum (Action guide)*. Tehran: Borhan School of Culture Institute Publications; 2005. Persian.
- [25] Maleki H. *Introduction to social education activities (extracurricular)*. Tehran: Aig; 2007. Persian.
- [26] Manasijević D, Živković D, Arsić S, Milošević I. Exploring students' purposes of usage and educational usage of Facebook. *Computers in Human Behavior*. 2016; 60:441-50.
- [27] Manca S, Ranieri M. Facebook and the others. Potentials and obstacles of social media for teaching in higher education. *Computers & Education*. 2016; 95:216-30.

- [28] Mugisha WR, Mugimu CB. Application of learning theories in curriculum development and implementation of the MLT diploma programme in Uganda. *Journal of Education, Society and Behavioural Science*. 2015; 5(3): 256-75.
- [29] Musapour N, Falahati L, Mazinani M. [Assessing the effects of informal curriculum on Farhangian University in fulfilling the mission of teacher training]. *Quarterly Journal of Curriculum Studies*. 2017; 12(47): 1-36. Persian.
- [30] Naeemi Hosseini F, Zare H, Hormozi M, Shaghghi F, Kaveh, M.]The effect of integrated situation learning on academic motivation, academic achievement, and student test anxiety[. *Curriculum Research*. 2012; 1(2): 177-200. Persian.
- [31] Pakseresht M. [Educational theories and challenges of theory of theory]. *Quarterly Journal of Educational Innovation*. 2007; 20: 125-148. Persian.
- [32] Rainie H, Wellman B. *Networked: The new social operating system*. Cambridge, MA: Mit Press; 2012 Apr 27.
- [33] Rezaei J, Nesari S. [Theoretical framework for communicative educational design model]. *Educational Technology*. 2013; 6(29): 36-40. Persian.
- [34] Van Der Rhee B, Verma R, Plaschka GR, Kickul JR. Technology readiness, learning goals, and eLearning: Searching for synergy. *Decision Sciences Journal of Innovative Education*. 2007; 5(1):127-49.
- [35] Zarei J.]Knowledge and learning: Fundamentals of communication theory[. *Journal of Information and Communication*. 2015; 1 (3 & 4): 141-152. Persian.